

ندا:

ندا رسید ز دادار مهربان و حکیم یگانه حیّ خطابخش ذات پلک و رحیم

* * *

الما رسیده به بن بست عقل و اندیشه چو کرم رفته بخلک و فتاده بر ریشه
ترا اشاره نمودم که فطرت آدم ز اصل کامل خود ذره‌ای ندارد کم

* * *

نظام بود و نمودش به عقل و افعالمست بدوش او دو کتاب قطور اعمال است
دو کاتبان نگارنده اند، همه دم هر آنچه بود به سرّ و عَلَن زنند رقم

اگر که نادی فرمان عقل گوش کنند زلال چشمه کردار نیک نوش کنند

نتیجه عمل نیک و بد فلاح و عقاب مخیّرنند به کسب گناه یا که صواب

بهشت جای هر آن بنده‌ای که متّقی است جهنّم است مکانش اگر بدو شقی است

تمام دوزخیان پیروان راه تو اند ز نرد بام هوس سقط قعر چاه تو اند

هر آنکه ملحد و مشرک و یا که بی‌دین است و با حقیقت و حق در نبرد و در کین است

کسی که سنگدل و سفله و زراندوز است به بندگان خدا خُبث و حیلَت آموز است

بَدَا بدانکه نداند که گول و نادانست ز غُجب و خیره سری گفته‌هایش هذیانست